

اور یایی که بی «یا» شد

جالب تر برای من این بود؛ مصاحبه بی را که در ماه رمضان امسال (۲۰۱۱) صورت گرفت، چرا از آن حد اقل دو هفته بعدتر پرده برداشته شد و به گوش و چشم عام مردم درآمد.

وقتی در صفحات انترنت به مصاحبه شبکه خبری ایران با شخصی بنام فضل الرحمن اوریا (که برای من بعثت بیخبری خودم از اوضاع منطقه این شخص ناشناس بود)، برخوردیم، تعجب کردم، تا مدتی هم باورم نمیشد (حتی همین اکنون نیز با بی باوری انرا نگاه میکنم!). چگونه امکان دارد که فردی در تلویزیون ایران سخنی گوید که ابدًا حکام ایران اجازه انرا در شبکه های دوستان و ریزه خوارانشان در خارج از ایران ندهند تا اینکه در شبکه خودشان!، تند باد چنین صدایی که پرده آویخته بر سیاست های واقعی حکومت ایران را به دور اندخته و تندیس لخت آنرا بمشاهده همه برساند.

از سالها است که مردم ما از مداخله بیگانگان در خصوصی ترین! مسایل داخلی ما شکایت دارند، دست درازی های بیگانگان رابر جان، مال و آبروی ملت و کشور ما می بینند، اما هر صدایی که بخواهد از چنین چیزی پرده برداری کند بگونه های مختلف: تطمیع یا تخویف در گلو خفه ساخته میشود.

مردم مصاحبه های زیادی را در مدح و ثنای این یا آن از وسایل اطلاعاتی شان شنیده اند، آنجائیکه مهمان خرید شده افسارش را بدست صاحب خانه (دستگاه تبلیغاتی) داده و مطابق خواست آنها حرف زده است، تشکرات! بیحد و حصری از رفتار حکام آنها در برابر کشور و مردم خود نموده است، بدون اینکه حتی بخاطر رفع مسئولیت اشاره بی به بدترین اعمال خلاف شان کرده باشند. اما وقتی چنین حرفی را از چنان دستگاه خبری که بمثابة قوه هجومی از آن استفاده میشود میشوند، در بهت و حیرت میروند. این بهت زدگی به اندازه شناخت فرد شنونده از ماهیت این دستگاه ها و سیاست های پنهانی حکومت آنها میباشد.

آقای فضل الرحمن اوریا در این مصاحبه از عمق وقایع و ریشه های آن در خارج از مرزهای کشور ما پرده گشایی میکند. وی چیزی را از حلقوم تبلیغاتی خودشان بگوش جهانیان میرساند که خیلی ها یا از ترس!... و یا هم بخاطر پر بودن دهانشان از جیفه آنها حتی در مجالس خصوصی هم گفته نمیتوانند.

یکی از نکات جالب برای من در این مصاحبه این بود که گوینده اخبار در جواب آقای اوریا برای جلوگیری از افشاکاری بیشتر و کشاندن وی به جهت دیگر خیلی باتاکید میگوید: گفته های شما در مورد پاکستان که درست است اما در مورد ایران این نظر شماست (کلام حرفی و دقیق گوینده اخبار و پرسنده از آقای اوریا شاید با این جمله من فرق کند امامفهوم کلی آن همین بود)، حکم کردن بر دیگران از چنین منبری و برائت دادن خود از آنچه که نظر طرف مقابل است خود میرساند که دستگاههای خبری جزء دستگاههای اطلاعاتی (به مفهوم استخباراتی) آن است نه اطلاع رسانی معلومات و وقایع و جریانات برای مردم کشور و خارج از کشور، حتی وی با این مداخله و ابراز نظرش، صفت ژورنالیستی خود را و مظهر سیاست روی پرده حکومت خود را نیز نتوانست حفظ کند.

بدون شک یکی از شیوه های مکارانه سیاسی مداخله گران در امور کشور دیگر این است که برای گم کردن نشان پای خود مردم کشور مورد نظر را به حق و یا نا حق در پی چیزهایی بکشاند که مردم به آنها و اعمال آنها متوجه نشوند. این سیاست منحصر به ایران هم نیست بلکه در برابر ما غیر از ایران کشورهای طماع دیگری هم از چنین سیاستی استفاده میکنند. لذا برای انصراف مردم از کارکرد خودشان، آنها را به اموری میکشاند که در ورای گرد و غبار آن چهره واقعی خود را بیوشانند. امروز در افغانستان خیلی ها پذیرفته اند که در بقای طالبان همینهایی که در ظاهر خود را مخالف و یا در جنگ با آنها معرفی میکنند، نقش اساسی دارند، این دیگر روشن تر شده است که نابودی طالبان و حرکت طالبانی در هر شکل آن در افغانستان، بمعنی کوتاه شدن دست های نابکار این مداخله گران آشکار و پنهان در امور کشور ما است، زیرا بهانه و دلیلی که روی آن کارشان را پیش میبرند در موجودیت پدیده بی بنا م طالبان میباشد، از همین رو است که این دشمنان دوست نمای کشور و مردم ما گاهی بنعل میزنند و گاهی به میخ تا وضعیت نا هنجار کشور و بدبختی مردم ما در سرتا سر افغانستان ادامه داشته باشد، تا زمانی که آنها به اهداف پنهانی خودشان برسند. افشاشدن ریختن اسلحه از طیاره برای طالبان توسط انانیکه در ظاهر برای جنگ و نابودی طالبان به کشور ما آمده اند و یا کشف شدن انواع اسلحه و نا آرامیها در مرزهای کشور ما با کشوری که خود را دشمن طالبان میگویند و بخاطر

دپانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادښت: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

سرنگونی طالبان، به تعبیر خودشان با "شیطان بزرگ" هم‌نوا و هم‌کار شدند، از اموری است که پنهان کردن آن دیگر مشکل شده است، ولی آنچه پنهان است بدون شک خیلی بزرگتر و خطرناکتر برای کشور ما و مردم ما از آنچه ظاهر شده است، خواهد بود.

اینکه چرا کار در بند سلما و بند کمال خان به پیش نمی‌رود جزء از همین سیاستهایی است که بصورت پنهانی برای مردم ما و کشور ما کشیده شده است، ولی برنامه‌های پنهانی‌شان در برابر کشور و مردم ما قطعاً بزرگتر از این چیزهای جزئی خواهد بود.

آقای فضل الرحمن اوریا بدون شک پا را بمنطقه بی‌گذاشت که در کشور ما از محرمات قطعی بود، بخاطر رعب و وحشتی که دستان نا مرئی آنها ایجاد نموده است، و هر که در انجام این کار جرأت کند باید حال و هوای خود را داشته باشد، و از همین رو امید داریم تا آقای "اوریا" بیشتر متوجه خود باشند چون دستان آنها در طی سه دهه مصیبت بار کشور تا گلوی ما رسیده است.

امید است تا این "اور" ی را که آقای فضل الرحمن اوریا شعله ور ساخته است تابشی روز افزونی داشته باشد برای شناخت چهره حقیقی آنانیکه گرگان پوشیده در پوست میش اند. چه بجا گفته اند که: بزرگترین جهاد، گفتن سخن حق در برابر حکام ظالم است.

پایان